

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۸ خرداد ۹۰

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

حمد و ستایش سزاوار خداوند عظیم و مدبر و کریم است. برای اوست فرمانروایی و ستایش از آن اوست روشنایی زمین و آسمان‌ها و آنچه در میان آنهاست. نابود و کم نشود نشانه‌های روشن و آشکارش، گنجینه‌های حکمتش، عزت و بزرگی‌اش و به پایان نرسد اقتدار و سلطنتش. نیست معبودی جز او، بزرگ و برتر است از آنچه او را وصف کنند.

سلام و درود بی‌پایان و بی‌شمار بر افضل اوصیا، خاتم انبیاء، اکرم اولیا حضرت ابوالقاسم محمد (ص) و بر خاندانش که نوری علی نور هستند و سلام و برکات پروردگار کریم در قلب‌هایی است که در تپش حیات خویش، منتظرند تا ندای الستشان را در گوش جان بشنوند آنگاه با تپشی که گویای هجرانی عمیق است به طرف خالقشان حرکت کنند؛ زمزمه‌ای در جانشان این‌گونه سخن آغاز کند:

ای جان خفته، اکنون برخاستی تا جمال یار را در پرده‌های وعده‌اش بنگری، آیا توان کنار زدن را داری و هجران سال‌های جدایی پاسخ دهد: مالک وجودم، مرا خواندی تا تو را اجابت کنم، اکنون زمان هجران‌های طولانی در سفینه‌ی جانم به سر آمده و شوق دیدارت، حیاتم را در تپش عشق به خالقم، مجدداً به زندگی بازگردانده پس شکر و سپاس به انتظاری که تمام شد و دل‌های عاشق، محضر حضور خالق یگانه گردید.

چه زیباست این سلام و چه مصداق شد بر بانوی بزرگ اسلام، حضرت زینب کبری (س) که قلب مهربانش، اقیانوس مهر را به برهوت تبدیل می‌کرد، عشقش در بندگی، آتش‌فشان‌ها را به خاموشی مبدل می‌کرد و همین عشق بود که بر همه‌ی عواطف خواهری و مادری پیروز شد و آن‌همه مصیبت و غم و اندوه را چون کوهی مرتفع و سربلند تحمل نمود.

چگونه می‌شود درباره‌ی حضرت زینب (س) گفت؟ کلماتی نیست تا او را توصیف کند و عقل و باوری نیست تا او را درک کند.

حقاً که دختریِ امیر مؤمنان و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) شایسته و برازنده‌ی اوست و بس؛ کسی که برادران و برادر زادگان و فرزندان و همه‌ی بنی‌هاشم از مهر و عطوفت او سیراب می‌شدند و او را برای خود عزیزتر از مادر می‌دانستند.

باید باور کرد و یقین داشت که قلب حضرت زینب (س) از عجایب خلقت است؛ درحالی‌که به لطافت گلبرگ گل بود برای رضایتِ الهی چنان محکم می‌شد که فولاد را شرمنده می‌کرد.

باید حضرت زینب (س) را شناخت و به او عشق ورزید همان‌گونه که مادر گرامی‌شان فرمودند: عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت پس حقیقتِ خلقت او رسیدن به نهایتِ عزت یک انسان در اطاعت از خالقِ خود است.

حال در این روز بزرگ ما نیز به دامن بانو و سرورِ عالم امکان حضرت زینب (س) چنگ می‌زنیم و با ناله‌ای که زمان، شاهد آن است تمنا می‌کنیم که:

ای ریشه‌ی نبوت، شما را پرچم‌دار کاروانی می‌بینیم که مصیبتش، جهل جاهلان بود. ای دخت امیر مؤمنان، تنهایی و غربتمان، رمقمان را برده؛ ای دخت پیامبر (ص)، شما شاهدِ زمان ما هستید پس به فریاد امت جدتان برسید که امامشان را دوست دارند و یادش را فراموش می‌کنند، اگر کیسه‌ی زری بیابند شمشیر را به طرفش نشانه می‌روند و مانند نمرود، تیر را به آسمانِ جهلشان می‌اندازند تا خورشید را هدف قرار دهند غافل از این‌که خود را خاموش می‌کنند چون مولا و سرورمان صاحب عصر و زمان با وعده‌ی خدا، جاء الحق و زهق الباطل هستند اگرچه باطلان را خوش نیاید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به حرمت بانوی مکرم، حضرت زینب (س) ما را حق‌بین و حق‌مدار و حق‌گو، قرار بده.

بار الها ما را در جهاد با نفس، پیروز کن و صبر و استواری حضرت زینب (س) را الگوی ما قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) که آروزی همه‌ی حق مداران مخصوصاً
عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب (س) بود تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com